

نمایندگی تجاری سفارتخانه‌های خارجی در دوره قاجاریه^۱

شهرام یوسفی فر^۲

چکیده

تاجرباشی لقب و منصبی بود که تا دوره قاجاریه به برخی از بازرگانان بلندپایه ایرانی و مسلمان داده می‌شد و به عنوان نمایندگان حکومتی، روابط بازرگانی داخلی و خارجی را ساماندهی می‌کردند. با آغاز سده ۱۳ هجری/۱۹ میلادی که دگرگونی‌های نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، ایران دوره قاجاریه را بیش از پیش تحت تاثیر قرار داد، موقعیت و جایگاه ایران در جامعه جهانی تغییر کرد و این امر، بخش‌های مختلف جامعه از جمله بازرگانان ایران را در قبال نظام جهانی بازتعریف نمود. در این میان، لقب تاجرباشی که در ادوار پیشین کارکردهای مشخصی داشت، برای آن دسته از تجاری به کار برده شد که سمت نمایندگی اقتصادی و حقوقی دولت‌ها و سفارتخانه‌های خارجی در کشور را بر عهده داشتند. مقاله حاضر، چرایی و چگونگی روند انتخاب تاجرباشی توسط دولت‌های خارجی در ایران و نیز نقش و عملکرد متصدی این سمت در دوره قاجار را مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: تاجر باشی، نمایندگی تجاری، تجارت خارجی، قاجاریه، سفارتخانه‌های خارجی.

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۴/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۵/۲۹

۲- دانشیار تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی E-mail:shyousefifar@yahoo.com

مقدمه

تاجرباشی لقبی بود که به تجار برگزیده‌ای داده می‌شد تا به ایفای وظایف خاص در رابطه با صنف تجار شهرها بپردازد. بنا به قدمت قشر تجار در ایران چنین لقب و منصبی نیز از پیشینه‌ای طولانی و البته پر فراز و فرود برخوردار بوده است و به همین ترتیب به مانند دیگر بخش‌های متعلق به مناسبات بازرگانی در ایران، از تحولات خرد و کلان در دوره قاجاریه بی‌نصیب نمانده است. تا کنون نقش، عملکرد و وظایف تاجرباشی در دوره قاجاریه بررسی نشده است.

کاربرد لقب تاجرباشی برای آن دسته از تجاری که به نمایندگی از حکومت، طرف مذاکره و معامله با بازرگانان داخل یا خارج از کشور بودند، پیشینه‌ای طولانی- حداقل از دوره مغولان - داشت. در ظاهر به نظر می‌رسد کاربرد عنوان تاجرباشی از دوره صفوی تا دوره قاجار مؤید همانندی کارکردی و ماهیتی دارندگان این لقب در دوره‌های مختلف است، در حالی که مطالعه دقیق واقعیت دیگری را آشکار می‌سازد. این مقاله دستاورد مطالعه‌ای در مورد لقب و منصب تاجرباشی در دوره قاجاریه است و البته چون نخستین مطالعه در این موضوع به شمار می‌رود، باید مباحث آن با کوشش‌های بعدی پرورانه شود.

طرح مسئله در این بررسی آن است که آیا پذیرش سمت تاجرباشی کشورهای خارجی توسط تجار مشهور ایرانی، با هدف برخورداری از امتیازات و مزایای اقتصادی همکاری با کشور مربوط صورت می‌گرفت، یا این همکاری به منظور ایجاد و بهره‌گیری از حاشیه‌ای امن برای فعالیت‌های اقتصادی در فضای نایمن داخل ایران دوره قاجاری انجام می‌پذیرفت.

در این رابطه سوالاتی به این شرح مطرح است: الف) دلایل اصلی سفارتخانه‌های خارجی برای انتصاب تجار ایرانی به سمت تاجرباشی خود در ایران چه بود؟ ب) چرا برخی از تجار بلندپایه حاضر به پذیرش سمت نمایندگی کشورهای خارجی می‌شدند؟ ج) پذیرش سمت تاجرباشی برای فرد چه مزایایی دربرداشت؟ د) وظایف تاجرباشی در دوره قاجاریه چه بود؟

بحث در مورد این منصب با دشواری‌هایی روبرو است که از جمله اینکه اندک اطلاعات موجود به شدت پراکنده است و دیگر اینکه کاربرد لقب تاجرباشی در این دوره در دو ساحت کهن و جدید و آمیخته با یکدیگر به کار برده می‌شد و این امر واریسی

نمابندگی تجاری سفارتخانه‌های خارجی در دوره قاجاریه ۱۴۵

اطلاعات متون و اسناد این دوره را با دشواری روبرو می‌کند. در این تحقیق براساس اندک اطلاعات موجود گوشه‌هایی از ابعاد این موضوع، از منظر تاریخ اقتصادی و اجتماعی دوره قاجاریه مطرح و بررسی می‌شود.

پیشینه کاربرد لقب تاجرباشی

پیش از صفویه

از دوره مغول عنوان ملک التجار و تاجرباشی برای بازرگانان نماینده حکومتی که وظایف تعریف شده‌ای در رابطه با تجار ایرانی و خارجی بر عهده داشت، به کار می‌رفت. این عنوان در ادوار بعدی از نظر کارکرد و نقش آن دگرگونی‌هایی به خود دید. پسوند باش یا باشی، در حکومت‌های ترک در مورد مقاماتی که سرپرست یک گروه شغلی یا اداری و حرفه‌ای بودند به کار می‌رفت (خلج، ۱۳۷۵، ۵۲۳-۵۲۲). در دوره قاجاریه این عنوان برای استادان یا رؤسای گروه‌های پیشه‌وری در بازار مورد استفاده قرار می‌گرفت. (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۲)

القاب وکیل‌التجار (برگ نیسی، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۹) و ملک‌التجار (مارچینکوفسکی، ۱۳۸۵: ۴۳۱) تا دوره صفویه در مورد تاجری که به امور بازرگانی، تجار و مشکلات آنان رسیدگی می‌کرد، به کار می‌رفت.

دوره صفویه

ملک‌التجار مسئول حل و فصل امور تجار بود و امور مرتبط در بیوتات را تحت نظارت خود داشت. از این رو، از دارنده این لقب در زمره صاحب جمعان بیوتات و مقرب‌الحضره یاد می‌شد و رسومی در حق وی مقرر بود. (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۹-۲۵۸) این منصب از سوی حکومت به او واگذار می‌شد و ظاهراً در امور تجاری و اقتصادی سمت مشاوره شاه را بر عهده داشت. (مارچینکوفسکی، ۱۳۸۵: ۴۳۱)

رشد مناسبات بازرگانی داخلی و به ویژه رونق مناسبات تجاری با خارج از کشور و نیز حضور کمپانی‌های هند شرقی در ایران، بر اهمیت و نقش این منصب در دربار و جامعه شهری افزوده بود. به نظر می‌رسد در برابر موقعیت کلیدی تاجرباشی در ساختار تصمیم‌گیری اقتصاد تجاری ایران بود که کمپانی‌های خارجی حاضر در ایران، از جمله کمپانی هند شرقی هلند (فلور، ۱۳۶۷، ۱۴۶، ۵۹، ۶۱)، شخصی را با عنوان تاجرباشی

(بازرگان باشی) برای تنظیم و مدیریت فعالیت‌های تجاری خود در برابر طرف ایرانی تعیین کردند.

دوره قاجاریه

تجار در دوره قاجاریه القاب متنوعی داشتند: امین التجار، معین التجار، ناظم التجار، معتمدالتجار، مؤتمن التجار (ترابی، ۱۳۸۴: ۵۱) یا ادیب‌التجار و فقیه‌التجار. این‌گونه القاب اعتبار اجتماعی برای فرد در بر داشت و گاه نیز به توارث منتقل می‌شد. ملک التجار زعیم یا رئیس تاجران شهر بود. اگر چه این لقب را حکومت اعطاء می‌کرد، اما وی از اعتماد و حمایت بازرگانان بهره مند بود و معمولاً چونان رابط بین حکومت و تجار و اصناف ایفای نقش می‌نمود و در مقام داور در امور تجار و حکومت (ترابی، ۱۳۸۴: ۵۱) عمل می‌کرد. در دوره قاجاریه کاربرد لقب تاجرباشی با ملک‌التجار تفاوت داشت. عنوان تاجر باشی در مورد تجاری به کار می‌رفت که به عنوان نماینده تجاری دولت خارجی (ترابی، ۱۳۸۴: ۵۱) در ایران عمل می‌کرد.

نزد برخی نویسندگان دوره قاجاریه این دو مفهوم با یکدیگر خلط شده است. به نظر می‌رسد پسوند «باشی» در ایران و عثمانی برای بزرگ و رئیس صنف یا یک دستگاه به کار می‌رفت. این اشکال رخ نموده بود، در حالی که عنوان تاجر باشی در این دوره در مواضع مختلف معنای متفاوت داشت. از جمله گاه تاجرباشی به معنای بزرگ بازاریان یا تاجر بود، چنانکه ژان اوبن به این معنا اشاره می‌کند: «تاجر باشی، میرزا اسدالله ملک‌التجار بازار را اداره می‌کرد». (اوبن، ۱۳۶۲: ۸۱)

منصب تاجرباشی به مانند دوره صفویه در دوره قاجار وجود نداشت. تنها گزارش رسمی از این امر شرح اعتمادالسلطنه از القاب دوره ناصری است که عنوان تاجرباشی را ذکر کرده است، بدون آنکه نام متصدی آن را ذکر کند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۳۱۲)

در دوره قاجار تغییری اساسی در کاربرد و شمول این لقب رخ داد. به طور کلی، عنوان «ملک‌التجار» از سوی حکومت به تاجر معتبر اعطاء می‌شد و از وی توقع می‌رفت در اداره امور تجاری و هماهنگ کردن فعالیت‌های تجار شهر، به نحوی که منافع تجار و حکومت تأمین شود، اقدام کند. عنوان «ملک‌التجار ممالک محروسه» به تاجر بلندپایه‌ای داده می‌شد که نقشی فراتر در این زمینه ایفا می‌کرد (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۳/ برگ‌نیسی، ۱۳۸۵: ۵۱). در اثر رشد شتابان مناسبات بازرگانی داخلی و خارجی در این دوره و

نمایندگی تجاری سفارتخانه‌های خارجی در دوره قاجاریه ۱۴۷

افزایش نقش و اهمیت تجار در زندگی اقتصادی و سیاسی، اعتبار و نفوذ اجتماعی-سیاسی ملک التجارها در شهرها نیز بیش از پیش گردید و این امر بازتاب رشد توانمندی‌های قشر تجار در برابر حکومت و تعریف فاصله معنادار با حوزه سیاسی را به طور ملموس تری آشکار می‌کرد. در همین راستا مفهوم و کارکرد دارنده لقب تاجرباشی که نمایانگر تمایل حکومت صفوی به برقراری ساز و کار نظارت بر قشر بازرگان مستقل بود، به کلی دگرگون و در الگوی متفاوتی ظاهر شد.

تغییر مهم در کاربرد و محتوای لقب تاجرباشی به دگرگونی‌های سیاسی و حقوقی ارتباط داشت. وجه غالب کاربرد عنوان تاجرباشی در این دوره در مورد تجار ایرانی و غیرایرانی بود که سمت نمایندگی تجاری کشوری خارجی را بر عهده داشت. تاجرباشی‌ها از میان بازرگانان مشهور نواحی مختلف ایران یا بازرگانان آن کشورها که با جامعه ایران آشنایی داشتند، انتخاب می‌شدند. به طور معمول سفارتخانه‌ها ترجیح می‌دادند تاجرباشی بومی را در درجه اول از تجار مسیحی یا یهودی برگزینند و البته تجار مسلمان سرشناس و با نفوذ نیز برای این منظور انتخاب می‌شدند. تجار ایرانی دلایل مختلفی برای پذیرش این نقش داشتند.

تاکنون نقش، عملکرد و وظایف تاجرباشی‌ها در دوره قاجاریه مورد بررسی قرار نگرفته است. به احتمال شباهت لفظ و تداوم عملکرد تاجرباشی در حوزه بازرگانی، همانندی کارکردی و ماهیتی بین دارنده این لقب در دوره صفوی و قاجار را القاء نموده و این مانع از بررسی موضوع حاضر گردیده است. این در حالی است که طی دگرگونی‌های تدریجی اقتصادی و اجتماعی ایران در سده ۱۳ هجری عنوان تاجرباشی در جریان دگرگونی معنایی خود، از معنای دوره صفوی فاصله گرفت و منحصر به آن دسته از تجاری شد که به عنوان نماینده بازرگانی سفارتخانه‌های خارجی در ایران انجام وظیفه می‌کردند. در ادامه این دگرگونی به آن دسته از بازرگانانی که سمت نمایندگی تجاری ایران در خارج از کشور را بر عهده داشتند، نیز تاجرباشی گفته می‌شد. اشاراتی مبنی بر اینکه تاجرباشی رئیس تجار ایرانی و حافظ منافع آنان در کشورهای خارجی بودند، در برخی از اسناد دوره میانی قاجاران (قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۱۹۵-۱۹۴) در دست است.

به گونه‌ای که آورده شد کاربرد عنوان تاجرباشی در دوره قاجار دچار پیچیدگی‌هایی است و دو حوزه معنایی و کارکردی کاملاً متفاوت را در بر می‌گرفت و از این رو در ادامه

بررسی این منصب منحصر در معنای کارگزاری تجاری دولت‌های خارجی در ایران صورت خواهد گرفت.

۱. نقش و عملکرد تاجرباشی

۱-۱. تاجر باشی به عنوان یک تاجر

تاجرباشی‌ها به مانند دیگر بازرگانان کشور فعالیت می‌کردند. تاجرباشی روس‌ها در تبریز، در ازاء طلب خود از فرزند یکی از اشراف آن حدود، عایدات و اداره روستای خاچی را به مدت ۲۰ سال در اختیار گرفته بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۲۳). خواجه سرکیس آقایوف، تاجر باشی روس نیز در سال ۱۳۰۶ ق. تقاضای اجاره داری صیادی رود ارس را به دولت ایران داد. (قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۲۵۵-۲۵۲).

آنان در ایران تجارتخانه داشتند و چون دیگر تاجر به بازرگانی می‌پرداختند. مثلاً بکمز، تاجر باشی عثمانی در تهران تجارتخانه‌ای داشت و چون فوت کرد، ورثه او دریافت مطالباتش را از بدهکاران متشخص او پی‌گیری کردند. (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۲۶۴۰) یا حاج میرزا محمود تاجرباشی در تبریز با انجمن ایالتی تبریز همکاری داشت و مسئول خرید و فروش غله شده بود. (رفیعی، ۱۳۶۲: ۱۳۴)

در سال ۱۳۲۴ ق. که در تبریز قرار شد غله مجتهد تبریز به فروش برسد، انجمن ایالتی تبریز حاج محمود تاجر باشی را مسئول حمل و فروش غله وی کرد. البته او مدتی بعد استعفاء داد. (رفیعی، ۱۳۶۲: ۱۲۴). حاج محمد باقر تاجر باشی، جزو نمایندگان طبقات شش گانه مردم آذربایجان در دوره اول مجلس شورای ملی بود. (انجمن، ارگان انجمن ایالتی آذربایجان: ۶۸)

۱-۲. نمایندگی دول کامله الوداد

نفوذ مناسبات سرمایه‌داری اروپا در ایران طی سده ۱۳ هجری (انتنر، ۱۳۶۹: ۳۳-۳۴)، جامعه ایران را از زوایای گوناگون دچار دگرگونی کرد. در رابطه با بحث حاضر، افزایش تکاپوهای بازرگانی داخلی و خارجی و اهمیت یافتن نقش و عملکرد بازرگانان در جامعه ایران، در کنار تلاش‌هایی که برای برپایی تنظیمات جدید به منظور ساماندهی روابط بازرگانی ایران با کشورهای اروپایی صورت می‌گرفت، در این بحث باید مورد توجه قرار گیرد. روابط بازرگانی ایران و کشورهای اروپایی بر اساس قراردادهای بازرگانی

نماینده‌گی تجاری سفارتخانه‌های خارجی در دوره قاجاریه ۱۴۹

مشهوری که هر یک در شرایط خفت باری منعقد شدند، چارچوب‌ها و سمت‌وسوهای خاص پیدا کرد. در دوره صفویه قرارداد تجاری با رعایت حق کاپیتولاسیون برای اتباع کشورهای خارجی در دستور قرار گرفت، اگر چه اخبار موثقی از اجرایی شدن آن در دست نیست. در دوره زندیه (سال ۱۱۷۶ق.) در ماده چهارم و دهم قرارداد ایران و انگلستان موضوع حق قضاوت کنسولی مورد توافق قرار گرفت. مفاد ماده چهارم چنین بود: «... قروض بازرگانان انگلیسی و دیگران بایستی پرداخت شود و اگر دین خود را ادا نکند و آن در محل یا در بنادر ایران نباشد حاکم یا شیخ آن جا آن شخص را مجبور کند که دین خود را در اقرب زمان بپردازد و اگر شیخ یا حاکم در انجام دادن این دستور قصور ورزند مامور انگلیس اختیار احقاق حق دارد و می‌تواند مدیون را به پرداخت وام خود ناگزیر سازد». (وحید مازندرانی، ۱۳۵۰: ۶۷) در ماده دهم نیز چنین آمده است «...مستخدمین و دلال‌ها و دیگران که در نمایندگی کار می‌کنند از مالیات معافند و حکومت عمال آنها با خودشان است و کسی حق دخالت ندارد...». (وحید مازندرانی، ۱۳۵۰: ۶۷)

یکی از بندهای مهم معاهدات مزبور ناظر به تعیین نمایندگی‌های تجاری در کشورهای کامله‌الوداد بود. روال کاپیتولاسیون موضوعی برای طرح و بررسی دعاوی با حضور نماینده کنسولی بود. (انتنر، ۱۳۶۹: ۳۷-۳۶) بر اساس ماده هشتم این قرارداد، روسیه حق داشت کنسولگری و نماینده بازرگانی در هر جا که ضرورت‌های منافع تجارتی آن کشور ایجاب کند، برگمارد. مامور مزبور حق استفاده از کلیه حقوق و مزایای آن مقام را که لازمه اجرای عملیات تجاری است، دارا بودند (همان، ۳۴-۳۳). اگر چه به دلیل اختلاف نظر دولت ایران و روس بر سر تفسیر این ماده، جریان استقرار کنسولگری‌های روس در نواحی مختلف ایران با موانعی روبرو می‌شد، اما به هر حال فشار روسیه و دیگر کشورها این خواست را اجرایی کرد. این اصل به زمینه بسیار مناسبی برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی غرب و رسوخ بیشتر مناسبات استعماری در ایران تبدیل شد.

در دوره قاجار شماری از کشورهای اروپایی که منافع مستقیم اقتصادی در ایران داشتند، تاجر بلند پایه ایرانی را به عنوان نماینده تجاری خود در ایران انتخاب می‌کردند تا وظایف مختلفی را به انجام رساند. متأسفانه وظایف، عملکرد و موقعیت این تاجر در دوره قاجاریه به صورت شفاف گزارش نشده است و تنها باید بر پایه اطلاعات پراکنده‌ای

که وجود دارد، بررسی شود. این در حالی است که بررسی نقش و عملکرد تاجرباشی‌ها در دوره قاجاریه به خوبی مسیر و روال رسوخ و تعمیق روابط سرمایه‌داری در پایین‌ترین قشرهای جامعه ایران را نشان می‌دهد و از این رو شناخت دقیق سازوکار نفوذ و چگونگی عملکرد مناسبات بورژوازی غرب در جامعه ایران، براساس بررسی دقیق چنین زمینه‌هایی فراهم می‌گردد.

حق قضاوت کنسولی، تبعاتی متفاوت از رونق بخشی به تجارت خارجی در کشور و ایجاد امکان سوء استفاده برخی از آنان را سبب گردید. در مورد روس‌ها این وضعیت دوگانه بیشتر صدق می‌کرد. بخشی از وظایف تاجرباشی‌ها در این راستا تعریف شده بود. از جمله نیکیتین اشاره دارد که برخی از اتباع سودجوی روس با اتکاء به حق مزبور اعمالی را مرتکب می‌شدند که حتی به ضرر تجارت روس در ایران منجر می‌شد. به عنوان مثال: یک تبعه روس در رشت آب‌های گاز دار تقلبی ساخته بود و در بطری‌هایی با آرم شرکت معروف روسی می‌فروخت. (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۸۸) تکیه برخی خلافکاران بر وضعیت حقوقی کاپیتولاسیون سبب می‌شد کنسولگری‌ها بخشی از اقدامات خود را برای زدودن نتایج این امور صرف نمایند و برای پیشبرد موثر اقدامات خود از تجار صاحب صلاحیت استفاده نمایند. (همان، ۸۹-۸۸) گزارش نیکیتین درخصوص نحوه مدیریت امور حقوقی و کارشناسی اقتصادی کنسولگری‌ها در ایران نشان‌دهنده اهمیت تجار مجرب ایرانی در حل و فصل مشکلات اتباع آن کشور در ایران است. (همان، ۱۳۵۶: ۹۱-۹۰)

۳-۱. توسعه روابط تجاری بین‌المللی

بدون تردید تمایل کشورهای خارجی به انتخاب یک بازرگان صاحب‌نظر به عنوان نماینده تجاری در ایران، آشکارا در راستای پی‌گیری منافع ملی و منافع تبعه خود بود تا از این طریق شرایط مطلوب تری برای حضور مستقیم و موثر در ایران فراهم آورند. قرارداد ترکمانچای چارچوب حقوقی مناسبی برای این منظور فراهم آورد و کشورهای مختلف با تأسی به حقوقی که روسیه در زمینه تعیین نماینده تجاری در مناطق مختلف ایران به دست آورد، مناسبات بازرگانی خود را در ایران بسط می‌دادند. از این رو، افزون بر آنکه ضرورت بهره‌گیری از حق تعیین نماینده دول کامله الوداد باعث تعیین نماینده تجاری در نواحی مختلف می‌شد، اما در هر حال مناسبات رشد‌یابنده بازرگانی در عرصه

جهانی و رقابت کشورهای بزرگ نیز با اتکاء به نمایندگی تجاری باعث می‌گردید که تاجرباشی‌های دوره قاجاریه به مانند ابزاری برای توسعه و رشد روابط تجاری کشورها در ایران نقش ایفاء نمایند.

۴-۱. دشواری تنظیم روابط تجاری بین کشورها

گسترش روابط بازرگانی میان ایران و کشورهای دیگر، به ویژه روس و انگلیس الزامات بسیاری داشت. به گزارش کرزن در شهری چون مشهد کارهای کنسولی زیاد بود و صدها نفر از اتباع روس و انگلیس برای مقاصد تجاری در آن شهر اقامت داشتند. (کرزن، ۱۳۵۰، ۲۴۱-۲۴۰) کنسول‌ها برای حل و فصل امور تجاری آن نواحی ایفای وظیفه می‌کردند. (اسناد میرزا عبدالوهاب آصف الدوله، ۱۳۸۰: ۱۵) طبیعی است تنظیم روابط بین تجار خارجی و طرفین ایرانی که راه و رسم و روال اقتصادی، حقوقی و عرف خاص خود را داشتند، کاری بسیار صعب و پیچیده بود. (انتنر، ۱۳۶۹: ۳۵-۳۴) از آن جمله ثبت و گواهی اسناد تجاری (صورت حساب‌ها، قراردادها و نظایر اینها) و حتی اسناد شخصی (وصیت، قرض و گروهی) به ویژه نحوه رسیدگی به اختلافات تجاری بازرگانان خارجی با طرفین ایرانی که این امور معمولاً با ددرسهایی روبرو بود.

در این میان، موضوع حق قضاوت کنسولی بسیار مشکل ساز بود. دعاوی بین اتباع روسیه و ایران توسط قاضی ایرانی و در حضور مترجم سفارت و نمایندگی کنسولی انجام می‌شد. کنسول‌های روس با ترجیح حقوق تجاری روسیه، روال دادرسی را مخدوش می‌کردند و اختلافات دراز دامنی را پدید می‌آوردند. از این رو، انتخاب یک تاجر بانفوذ ایرانی جهت تکفل امور مزبور ضرورت بسیار داشت. پی‌گیری مسائل کنسولی برای کشورهای ذینفع در تجارت و اقتصاد ایران بسیار حیاتی بود (لیتن، ۱۳۶۷: ۲۷۳-۲۶۸) و تاجرباشی مسئولیت اصلی در این رابطه را بر عهده داشت. کنسولگری‌های خارجی در ایران برای تنظیم روابط اتباع خود با طرفین ایرانی و نیز حل و فصل کلیه دعاوی و مشکلاتی که پیش می‌آمد از خدمات مشاوره‌ای و کارشناسی تجار صاحب‌نظر بهره می‌بردند. به گفته نیکیتین کنسولگری‌های روس در نظام کاپیتولاسیون تقریباً قائم مقام حکومت ایران شده بودند. (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۹۱) حل و فصل دعاوی حقوقی اتباع و تحت الحمایگان روس در ایران با طرفین مقابل‌شان از مهم‌ترین چالش‌های آنان بود،

زیرا کنسولگری‌ها ناتوان از ورود به دعاوی حقوقی و قضایی - که بیشتر جنبه تجاری داشت - بودند. (همان: ۹۴)

از این‌رو، تاجرباشی به عنوان صاحب‌نظر امور تجاری باید به نمایندگی از کنسولگری‌های مربوط اقدام می‌کرد. (همان ، ۱۳۵۶: ۹۵) گزارش نیکیتین از نحوه عملکرد کنسولگری‌ها در ایران در حوزه امور ثبتی و تجاری (همان ، ۹۶) به خوبی نشان می‌دهد کنسول‌ها تا چه اندازه برای پیشبرد امور خود به دانش و مهارت تجار محلی - در کنار دیگر کارمندان محلی - وابسته بودند.

۲. شیوه‌گزینش و عزل تاجرباشی‌ها

۲-۱. انتخاب

سفارتخانه‌ها با روش‌های گوناگون تاجر باشی‌های خود را انتخاب می‌کردند. الف) در یک مورد سفارت عثمانی از کارگزاری و مأمورین محلی ایران در رشت درخواست کرد تا درخصوص صلاحیت حاجی میرزا محمود کاشانی تحقیق کنند که آیا وی می‌تواند به عنوان تاجرباشی عثمانی در آنجا ایفای وظیفه نماید یا نه؟ پس از طی مراحل لازم، اداره تشریفات وزارت امور خارجه به سفارت عثمانی چنین اعلام کرد: «وزارت امور خارجه در مورد حاجی میرزا محمود کاشانی، تحقیقات لازم را از رشت به عمل آورد و مشخص شد وی آدم لایق و درستی است و آن سفارت اگر مایل باشد می‌تواند وی را به سمت تاجرباشی گری خود به وزارت امور خارجه معرفی کند». (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۶۷۷۳) چون نتیجه بررسی‌ها مثبت بود (۲۰ ذیحجه ۱۳۳۱ق) ، وی به کار گرفته شد. بررسی اسناد نشان می‌دهد سفارت عثمانی پیش از این بررسی‌های لازم را برای انتخاب فرد مورد نظر صورت داده بود و پس از حصول اطمینان از افراد مورد وثوق محلی، از وزارت خارجه استعلام کرده است.

پس از اینکه یک تاجر توسط سفارتخانه خارجی به عنوان «تاجرباشی» شهری انتخاب می‌شد، موضوع طی مکاتبه‌ای رسمی به وزارت امور خارجه، به ویژه دایره محاکمات خارجه اعلام می‌گردید. در وزارت امور خارجه فرد معرفی شده به‌عنوان نماینده تجاری کشور مزبور شناخته می‌شد. (همان، سند ۳۶۰۰۰۳۸۰۷) سفارت ایتالیا، حاج رحیم اتحادیه را به عنوان «تاجرباشی گری تجارت و تجار ایتالیا در تهران» تعیین و معرفی نمود و حکومت ایران نیز این مقام را تأیید کرد. (تراپی، ۱۳۸۴: ۵۱)

نمابندگی تجاری سفارتخانه‌های خارجی در دوره قاجاریه ۱۵۳

به نظر می‌رسد دو کشور روسیه و عثمانی و سپس انگلیس بیشترین شمار تاجرباشی‌ها را در شهرهای مختلف ایران به کار گرفته بودند. بدیهی است شهرهایی که در مسیر راه‌های اصلی بازرگانی ایران - خلیج فارس تا مشهد و تبریز - قرار داشتند، مراکز استقرار تاجرباشی‌ها به شمار می‌رفت. اشاره‌ای در تاریخ عراق عجم در این خصوص وجود دارد که «... بنا به اهمیت یافتن روابط تجاری باخارجه، جهت تصفیه امور معاملات داخله با اتباع خارجه یک نفر کارگزار از سوی وزارت خارجه از تهران، مأمور به اقامت عراق شد که در حفظ حقوق اتباع دولتین مواظبت و محاکت نماید» (تاریخ عراق عجم، ۱۳۴۵: ۴۰۷).

۲-۲. عزل

گاه ممکن بود تاجر باشی سفارتخانه‌ای از منصب خود برکنار شود. به عنوان مثال آقا قاسم شیروانی تبعه روس و تاجرباشی آن کشور، از این سمت برکنار گردید. گفته می‌شد پسرانش با بابیان بستگی داشتند. (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵: ۶۷) به نظر می‌رسد سفارتخانه‌ها در عزل تاجرباشی‌های ایرانی از سمت خود، بیشتر دغدغه تأمین منافع اقتصادی کشور متبوع خود را داشتند و در عین حال رفتار درست تاجرباشی‌ها و رعایت شئونات سفارتخانه متبوع نیز در ادامه همکاری آنان در این سمت تأثیرگذار بود. موردی از درخواست حکومت ایران برای عزل این افراد گزارش نشده است.

۳. وظایف تاجرباشی

وظایف تاجر باشی‌ها در ارتباط با مأموریت‌های سفارتخانه و قونسولگری کشورهای خارجی تعریف شده بود و از این رو بیشتر تاجرباشی‌ها در نواحی‌ای فعال بودند که یکی از این نمایندگی‌ها در آنجا دایر بود. اروپائیان کنسولگری‌هایی را برای پشتیبانی از تجارت خود در شهرهای مختلف کشور دایر کرده بودند. به عنوان مثال انگلیس تا پیش از آغاز جنگ با ایران در شهرهای تبریز، تهران، بوشهر و سپس در رشت، اصفهان، شیراز و مشهد کنسولگری دایر کرده بود. روسیه در تبریز، رشت، تهران، بارفروش (بابل) و استرآباد (گرگان) کنسولگری تاسیس کرده بود و عثمانی نیز در تهران و تبریز و دیگر شهرهای مهم نمایندگی‌هایی دایر کرده بود. (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۵)

تاجرباشی در شهر و منطقه مورد نظر به عنوان رابط و نماینده حقوقی و اقتصادی دولت متبوع خود عمل می‌کرد و در آن میان، پی‌گیری دعاوی تجاری در محاکم مربوط و انجام برخی امور کنسولی مرتبط با وظایف مهم تر می نمود. گزارش نیکیتین از وظایف کنسولگری‌های روس در ایران نشان دهنده گستره کاری تاجرباشی‌ها است. (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۸۹-۸۸)

۳-۱. نمایندگی در دعاوی تجاری

تاجرباشی باید در جلسات محاکم تجاری و گاه کنسولی اتباع دولت مورد نظر که در ادارات مربوط تشکیل می‌گردید، حضور یافته و در راستای تأمین منافع آنان تلاش کند. وی در این جلسات، عنوان نمایندگی و کارشناس اقتصادی را در جریان گفتگوها یا محاکمات مربوط به اتباع کشور مورد نظرش برعهده داشت. این وظیفه‌ای دشوار بود و شخص باید در داوریهایی که معمولاً به نفع طرف ایرانی نیز تمام نمی‌شد، به خوبی از منافع اتباع خارجی دفاع نماید. اسناد موجود حاکی از آن است که مرافعات حقوقی و مالی طرفین ایرانی و خارجی به شدت پیچیده و درازمدت بود و تسویه امور بین آنان به سادگی امکان‌پذیر نبود. هنگامی که موضوع استقراض یا روابط مالی اشخاص متنفذ با تاجر خارجی به میان می‌آمد وظیفه تاجر باشی سخت‌تر می‌شد. از جمله جریان تسویه قروض معتمد بقایا به مسیو کامپلی - تاجر تبعه ایتالیا - مدت‌ها به طول کشید و پس از زمان بسیار سفارت ایتالیا به وزارت خارجه اعلام کرد که حاج‌رحیم‌خان اتحادیه، تاجرباشی سفارت ایتالیا با اختیار لازم درخصوص چگونگی اتمام این موضوع با معتمد بقایا قراردادهای بعدی را خواهد گذاشت. (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۱۸۲۸-۳۶۰۰۰) در مرافعه دیگری چون قاسم خان تاجر، محکوم به پرداخت بدهی خود شد، مقرر گردید تاجرباشی روس این مبلغ را قبض و به اداره محاکمات خارجه تحویل دهد. (حدود سال ۱۳۱۷ق.) (آرشیو وزارت امور خارجه ایران؛ ۲۲-۱۲-۲۷-۳۱۷ق)

تاجرباشی‌ها پیش از تشکیل بخش‌های مربوط به محاکم کنسولی در وزارت خارجه، به همراه کنسول یا مترجم سفارت ذی‌ارتباط در جلسات دادگاه حضور می‌یافتند تا از منافع تجاری اتباع کشور مورد نظر به نحو مطلوب دفاع نمایند.

۳-۲. نماینده کنسولی

تاجرباشی‌های سفارتخانه‌های خارجی در ایران مسئولیت‌های سنگینی در این رابطه بر عهده داشتند. گزارش ژان اوبن در مورد وظایف تاجر باشی روس‌ها در ایران، گویا است، او می‌گوید: «...تاجرباشی در ایران، در مقابل کنسول‌خانه‌ها، همان وظایفی را که نمایندگان ملت ما در مشرق بر عهده دارند، انجام می‌دهند. یعنی مسئول مهاجران و اتباع روسی و سخنگوی همه آنها است. در شمال ایران روس‌ها تعداد تاجر باشی‌ها را افزایش داده‌اند و آنها را به عنوان نمایندگان کنسولی رسماً به همه شناسانده‌اند. گاهی اوقات نیز در یک شهر دو تاجر باشی می‌گمارند، یکی برای مسیحیان و دیگری برای مسلمانان». (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۲۳)

در میان اجزاء سفارت روس در تهران دو تاجرباشی فعال بودند: خواجه میکائیل تاجرباشی ارامنه و آقا قاسم تاجر باشی مسلمانان. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۴۱۸) با آنکه روال تعیین دو تاجرباشی در سفارت روس را نمی‌توان رویه‌ای عمومی در بین سفارتخانه‌های خارجی در ایران دانست، اما پیچیدگی امور تجاری و مشکلات ناشی از فعالیت‌های اتباع خارجه در ایران، توسل به این شیوه را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. به عنوان مثال: در ولایت گیلان و شهر رشت که کنسولگری روس‌ها فعالیت بیشتری داشت، دو تاجرباشی حضور داشتند. یکی از آنان تاجرباشی مسلمانان و دیگری برای ارمنی‌ها بود. (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۸۶)

تاجر باشی امور مختلف تبعه کشور متبوع خود و به ویژه بازرگانان و فعالان اقتصادی را پی‌گیری می‌کرد. هنگامی که اموال ابوالقاسم نخجوانی در حسن‌آباد غارت شد، سلیمان خان تاجر باشی روس موضوع را در وزارت امور خارجه پی‌گیری کرد و با نامه‌نگاری‌هایی خواستار بررسی موضوع شد. (۱۳۳۵ق.) (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۲۱۰۶) در شهر قزوین نظارت و رسیدگی به امور اتباع روس ساکن آن شهر - لاهالی بادکوبه و شیروان و غیره - به تاجر باشی روس‌ها در شهر سپرده شده بود. (عباس میرزا ملک‌آرا، ۱۳۵۵: ۱۶۴) در اردبیل نیز شاهد ازبانتس، تاجر باشی روس بر امور تبعه روس و گروه کوچکی از خانواده‌های مسلمان که از قفقاز به ایران مهاجرت کرده بودند، نظارت داشته و از حقوق آنان دفاع می‌کرد. (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۲۴)

بر همین روال اشاراتی در دست است که حکومت ایران نیز یکی از تاجر مجرب را به‌عنوان تاجرباشی و نماینده تجاری ایران در خارج از کشور منصوب می‌کرد. در یک

سند متعلق به دوره محمد شاه قاجار (قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۱۹۵-۱۹۴)، وظیفه متصدی این منصب چنین تشریح شده است: به دستور شاه، آقا حسین تاجر باشی مقیم ارزنه‌الروم، وظیفه «رئیس تجار» ایرانی در آن جا را بر عهده داشت و شغل مصلحت‌گذاری دولت ایران در آنجا نیز به وی واگذار شد تا امور جزئی را به تشخیص خود و امور کلیه را بنا به دستورالعمل دولت سامان دهد. (مورخ ۱۳۵۵ق.) حاجی مهدی تاجر باشی نیز ظاهراً در قفقازیه (قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۱۳۰) رتق و فتق امور تجار ایرانی در آنجا را بر عهده داشت.

۳-۳. تأمین مایحتاج سفارتخانه‌ها

بر پایه برخی اطلاعات پراکنده، تاجر باشی بنا به تجربه و مهارتش مسئولیت تأمین نیازهای مختلف سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های مربوط به خود را نیز بر عهده داشت. از جمله: حسن آقا، تاجر باشی سفارت آمریکا در ایران خدمات مختلفی در این زمینه ارائه می‌کرد. به عنوان مثال وی در سال ۱۳۳۶ق./۱۹۱۸م. با مستر فرانسیس وایت، شارژ دافر سفارت قرار کنترات گذاشت تا به مدت هفت روز پنج خروار جو آماده کند و اگر تأخیری رخ داد معادل قیمت این مقدار جو و جریمه تأخیر آن را به سفارت بپردازد. این قرار در «اداره دول غیر مجاوره» وزارت امور خارجه ثبت گردید (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۵۱۸۹).

۴. جایگاه حقوقی و اجتماعی تاجر باشی‌ها

۴-۱. برخورداری از حق قضاوت کنسولی

تاجر باشی از موقعیتی حقوقی شبیه به اتباع سفارتخانه کشوری که برای آن خدمت می‌کرد، برخوردار بود. از این رو، دعاوی مربوط به شخص وی نیز در «اداره محاکمات امور خارجه» (همان، سند ۳۶۰۰۰۲۳۶۵) حل و فصل می‌گردید. بدیهی است این موقعیت به ویژه هنگامی که طرف دعاوی وی از رجال مملکت بود، بسیار مفید فایده و مثمر ثمر بود. گزارش‌های موجود حکایت از آن دارد که پس از طرح دعاوی و صدور رأی به نفع شخص تاجر باشی، مبلغ مورد نظر در اسرع وقت از طلب کار دریافت و به وی تسلیم می‌شد. (همان، سند ۳۶۰۰۰۳۱۴۴) امری که بنا به معمول برای دیگر بازرگانان آن روزگار صورت وقوع نمی‌یافت. بر همین روال مدعیان تاجر باشی نیز دعاوی خود را به جای پی‌گیری در محاکم عادی کشور، باید در اداره محاکمات وزارت خارجه

مطرح و پی‌گیری می‌کردند. (همان، سند ۳۶۰۰۰۱۳۸۲) این امر به خودی خود تا حدودی وضعیت مطلوب تری را برای تاجرباشی‌ها فراهم می‌آورد تا در شرایط بهتری از منافع خود دفاع کنند.

۴-۲. برخورداری از حمایت دولت‌های خارجی در امور شخصی

تاجرباشی سفارتخانه‌های خارجی بنا به اهمیت و موقعیت سیاسی کشور متبوع در ایران، از حمایت‌های پیدا و پنهانی سود می‌برد. البته تاجر باشی‌های روس و انگلیس از موقعیت برتری برخوردار بودند. با آنکه دعاوی حقوقی اینها و موکلان‌شان از مجاری رسمی پی‌گیری می‌شد، اما تسهیلات مختلفی که برای این منظور فراهم آمده بود، موقعیت ویژه‌ای را در ایران برای آنان به وجود آورده بود. ذکر چند مورد در این خصوص توضیحی بر این وضعیت است.

هنگامی که تاجرباشی روس در قزوین با آقا ابراهیم آبدار- ملقب به امین‌السلطان ریاست راه شوسه و مهمانخانه‌های قزوین- اختلاف پیدا کرد، از وی کتک خورد. عرب صاحب، ترجمان سفارت روس و میرزا محمد علی، مستشار وزارت خارجه برای تحقیق در مورد این واقعه از تهران به قزوین فرستاده شدند. عاقبت با وساطت عباس میرزا میان آن دو صلح برقرار شد و مقرر گردید آقا باقر به منزل تاجرباشی رفته و از وی کسب رضایت نماید. (ملک آراء، ۱۳۵۵: ۱۶۴)

دیگر گزارش‌ها نیز دلالت بر چنین وضعیتی داشت: سیمون، تاجر باشی عثمانی‌ها نیز که از مطیع‌السلطنه مبالغی طلب داشت، (۱۳۲۴ق.) (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۴۲۸۱) و حاجی عباسقلی، پسر حاجی محمد حسن تاجر باشی روس‌ها در قزوین که از محمد تقی خان قاجار مبلغی طلب داشت، (۱۳۰۳ق.) دعاوی خود را از طریق دفتر معاون محاکمات وزارت امور خارجه (همان، سند ۳۶۰۰۰۳۵۰) پی‌گیری می‌کردند.

این سازوکار موجب می‌شد تاجر باشی امیدوار باشد طلب و دیرکرد طلبش را از متنفذترین مقامات و رجال کشور دریافت کند. در مورد مطالبات خواجه بکمز، تاجرباشی عثمانی از شاهزاده جلال‌السلطنه و نادر میرزا مظهرالسلطنه و دیگر درباریان، نصرالله مشیرالدوله وزیر امور خارجه به بدهکاران تأکید کرد باید طبق روال، طلب تاجرباشی از

حقوق آنان کسر گردد. (سال ۱۳۱۹ق.) (آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۱-۱۷-۲۶-۱۳۱۹ق.)

در مواردی که رسیدگی به دعاوی طرفین دشوار می‌شد، موضوع به دخالت شاه و صدور فرمان در این خصوص می کشید. از جمله موضوع وقوع دزدی از دکان خواجه اسحق اسپیسف تاجرباشی روس در رشت، تا صدور فرمان از سوی مظفالدین شاه بالا گرفت. آن سرقت در دوره ایالت مشیرالسلطنه وزیر خزانه بعدی رخ داد (حدود سال ۱۳۱۷ق.). این موضوع توسط حاکم و قونسول روس در کارگزاری گیلان پی‌گیری شد، اما به نتیجه نرسید. تاجرباشی و مقامات محلی روس عسگرخان تبریزی، فراشباشی رشت و داروغه و دالان دار کاروانسرا را مسبب دزدی معرفی کردند و بعدها عنوان کردند چون مشیرالسلطنه در دوره ایالت خود موضوع را پی‌گیری نکرده بود، پس وی نیز مظنون به‌شمار می‌رود. (همان، سند ۵-۱۰-۲-۱۳۱۷ق.)

آن قدر فشار حکومت مرکزی و حاکم جدید گیلان بر عسگرخان زیاد شد که وی به ناگزیر از علما و تجار معتبر گیلان و رشت دو استشهادیه دال بر درست کاری خود و شرح تلاش‌هایی که برای کشف سرقت نموده بود، ارائه کرد. (همان، سند ۱۱-۱۰-۲-۱۳۱۷ق.) کنسول روس با کارشکنی مانع از به ثمر رسیدن تلاش‌های مقامات امور خارجه ایران جهت حل‌وفصل موضوع و تعیین تکلیف ارزیابی میزان اموال به سرقت رفته می‌شد و شکایت مقامات به سفارت روس در تهران نیز تاثیری نداشت. (همان، سند ۱-۱۰-۲-۱۳۱۷ق.)

مکاتبات سفارت روس در این موضوع تا دو سال بعد با صدراعظم ایران ادامه داشت (همان، سند ۷-۱۰-۲-۱۳۱۷ق.) و چون تلاش‌های بعدی مشیرالملک، مقام وزارت خارجه برای ختم آن به جایی نرسید، (همان، سند ۹-۱۰-۲-۱۳۱۷ق.) تاجرباشی به شاه التیاء کرد و شاه نیز به حاکم گیلان دستور داد سالانه بخشی از مبلغ خسارت تاجرباشی از موجب مشیرالسلطنه وزیر بیوتات و خزانه عامره، کسر و توسط قونسولگری روس به وی پرداخت شود. (همان، سند ۱۲-۱۰-۲-۱۳۱۷ق.)

در مورد تاجرباشی روس‌ها در مشهد نیز وضع چنین بود. چون درب منزل وی سوزانده شد، کنسولگری روس در مشهد و سفارت آنها در تهران، قضیه مزبور و دستگیری عامل ناشناس را پی‌گیری کردند و فشار زیادی بر صدراعظم کشور و حاکم خراسان وارد نمودند. در نتیجه، حاجی میرزا محمد خان بیگلربیگی از مقامش عزل

گردید و بیش از ۶۰ نفر دستگیر شدند و سرانجام اکبر تبریزی خرازی فروش محبوس شد. سابقه بسیاری از تلگرافات رکن الدوله، حاکم خراسان با وزارت امور خارجه در سال ۱۳۱۷ق. اهمیت موضوع را برای سفارت روسیه نشان می‌دهد. البته روس‌ها در مواردی که موضوع به کیان دولت و ملت‌شان ارتباط پیدا می‌کرد، با جدیت آن را پی‌گیری می‌کردند. اما در مورد تاجرهای ایرانی این امر ارتباط مستقیم با منافع اقتصادی آنان در ایران داشت.

اهمیت موضوع از جنبه دیگری نیز قابل مطالعه است. در واقع با آنکه تاجرهای یک سفارتخانه چنانچه تابعیت ایران را داشت و شکایتی از سوی وی طرح می‌شد، باید روند رسیدگی به اختلافات مزبور به کارگزاری خارجه ولایت مربوطه ارجاع می‌گردید. از جمله در سال ۱۳۱۷ق. که جمعی از رعایای ارومیه از تعدیات حسن آقا تاجرهای سابق روس به وزارت امور خارجه شکایت کردند، نصرالله مشیرالدوله وزیر امور خارجه رسیدگی به موضوع را به مؤتمن‌الملک کارگزار خارجه آذربایجان ارجاع داد. (آرشو وزارت امور خارجه ایران، سند ۱۵-۱۰-۱۳۱۷ق.)

پیداست این روال تا چه اندازه اسباب نارضایتی را در بین فعالان اقتصادی و اقشار دیگر فراهم می‌کرد. ناگفته نماند اگر تاجرهای ایرانی دربار طلبکار می‌شد، وصول آن حتی با دخالت سفارت روس هم امکان‌پذیر نبود.

سیمون آقا تاجر باشی عثمانی مطالباتش از دربار مظفرالدین شاه را تا سال‌های مدیدی پس از مرگ وی دریافت نکرده بود (آرشو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۸۴۷) و چون بحران‌های مالی و اقتصادی گروه اشراف و درباریان در دوره مشروطیت و پس از آن روی نمود، تاجرهای دادرهای بیشتری را متحمل شدند و فشار دولت‌های خارجی منجر به نتیجه مشخصی نمی‌شد. (آرشو وزارت امور خارجه ایران، سند ۳-۲۱-۲۷-۱۳۱۸ق.)

تعداد فراوانی مکاتبات بین سفارتخانه‌های خارجی با وزارت امور خارجه ایران وجود دارد که نمایانگر بی‌نتیجه ماندن پی‌گیری‌ها و مکاتبات تاجر باشی‌ها با مقامات عالی دربار ایران است.

بدون تردید روابط نامناسب این نمایندگان تجاری سفارتخانه‌ها با درباریان ایران، به‌ویژه از سال ۱۳۱۷ق. به بعد، تأثیرات کم و بیش مشخصی را در مناسبات اقتصادی دولت‌های خارجی با دولت ایران بر جای می‌گذاشت.

۳-۴. جایگاه سیاسی تاجرباشی‌ها

در واقع پیوستگی تاجرباشی‌ها با سفارتخانه‌های خارجی و نفوذی که در میان بازار و بازاریان شهرهای مختلف داشتند، به آنها فرصت می‌داد در موقع مناسب بر امور سیاسی شهر تأثیرگذاری داشته باشند یا به عنوان افراد معتمد سفارتخانه‌ها مورد مشورت آنان قرار گیرند. هنگامی که مخبرالسلطنه حکومت آذربایجان را داشت، تاجرباشی روس‌ها در شهر، اطلاعات مبسوطی در مورد روند کارشکنی در کارهای حکومت محلی از سوی وزرای تهران ارائه کرد. (هدایت، ۱۳۴۴، ۲۲۰)

۵. چالش‌ها

موقعیت و جایگاه تاجرباشی‌ها در جامعه ایران و به ویژه در میان فعالان بخش بازرگانی ایران، شرایط تبعیض آمیز و دلسرد کننده‌ای را اشاعه می‌داد. در واقع این تبعیض تنها بازرگانان و بازاریان ایران را آزرده خاطر نمی‌کرد، بلکه آن دسته از دیوانیان و مأموران اداری و بخش خصوصی که در ارتباط با فعالیت‌های آنها قرار داشتند نیز این اوضاع را تحمل نمی‌کردند. شماری از اسناد موجود در وزارت امور خارجه ایران حکایت از سرگردانی مأموران عالی‌رتبه آن وزارتخانه با حقوق تبعیض آمیز آنها دارد.

۱-۵. حق قضاوت کنسولی

موضوع حق قضاوت کنسولی و دیگر مواردی که نمایانگر سلطه مناسبات استعماری و برتری موقعیت اتباع خارجی در ایران بود، به تدریج چالش‌هایی را در قشرهای مختلف اجتماعی برانگیخت. با آنکه امتیازات کنسولی و کاپیتولاسیون دیر هنگام لغو گردید، اما ابراز نارضایتی نسبت به این گونه مناسبات استعماری از همان ابتدا در سطوح مختلف جامعه و حتی دوائر حکومتی وجود داشت. اشاره شد که اسناد مختلفی در این زمینه موجود است. از جمله رئیس اداره کل محاکمات وزارت امور خارجه در گزارشی که در سال ۱۳۳۶ق. به مدیر کل وزارت امور خارجه ارائه کرد، از تقاضای رئیس محکمه حقوق، مبنی بر لزوم مذاکره با سفارت روسیه برای جلوگیری از حضور تاجرباشی‌ها در جلسات محاکمه دفاع کرد. در واقع نظر رئیس اداره محاکمات چنین بود که: «موافق فصل هفتم عهدنامه ترکمانچای، سفارت‌ها حق دارند یک نفر «ترجمانی» به محکمه بفرستند. نماینده سفارت روس دو نفر تاجرباشی که یکی مسلمان قفقازی و

یکی مسیحی است، با خود بمحکمه می آورد. اگر چه هیچوقت محکمه آنها را در رأی خود مداخله نداده است، ولی گاهی می خواهند اعمال نظریاتی بکنند. این تاجر باشی‌ها حقوقی ندارند. بدیهی است که گاهی در بعضی دعاوی ذی نفع هستند و حضور آنها در محکمه باعث این می شود از مذاکراتی که در محکمه برای صدور رأی می‌شود، مستحضر شده، شاید به طرفین دعوا قبلاً می‌رسانند که تولید اشکالاتی می‌شود، من بعد محکمه حضور تاجرباشی‌ها را نخواهد پذیرفت. مقرر فرمایند بسفارت... اعلام شود» (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۴۳۳۹) از پاسخی که به این درخواست مدیرکل وزارت خارجه داده شده است، اطلاعی در دست نیست. در هر حال واضح است خواست تجدید نظر در روال‌های مورد بحث جدی بود و به هر نحو ممکن در اساس آن قواعد تشکیک می‌شد.

چالش دوم در برابر این روال به موضوعی دیگر ارتباط داشت: برخی از تاجرباشی‌ها گاه در پیشبرد امور شخصی و پی‌گیری منافع خود از بستگی‌شان به سفارتخانه خارجی و حق قضاوت کنسولی بهره می‌بردند. این رویه واکنش‌هایی متفاوت در پی داشت. به عنوان مثال هنگامی که حاج احمد قیصریه در پی‌گیری و طرح دعوی مالی خود با حاج محمد ابراهیم طهرانچی، مدعی تاجرباشی گری عثمانی در محاکم شرع به نتیجه نرسید، به اداره محاکمات وزارت امور خارجه شکایت برد. (همان، ۳۶۰۰۰۳۸۰۷) در واقع برخی تاجرباشی‌ها با اتکاء بر مصونیت قضایی خود به روند تضعیف و ناکارآمدی نهادهای حقوقی داخل کشور کمک رساندند.

به تدریج زیاده‌روی شماری از تاجرباشی‌ها در بهره‌گیری از موقعیت ویژه در محاکم ایران، دستاوردهای ناگواری به بار آورد: یک بار خواجه بکمز، تاجرباشی سفارت عثمانی در ایران موضوع اختلاف بر سر راه آب قنات درب منزلش را تا سطح اداره محاکمات امور خارجه و عالی‌ترین مقامات کشور ایران بالا برد. (آرشیو وزارت امور خارجه ایران، سند ۱۱-۲۶-۱۳۱۷ق.) قاسم خان تاجرباشی سفارت روس بر سر اختلاف پیش آمده در پرداخت اجاره دکان‌های خالصه با دربار ناصرالدین شاه به زورآزمایی پرداخت. وی به مدت چهار سال دکان‌های حکومت را در سبزه میدان به اجاره گرفته بود و از تخلیه و پرداخت اجاره بهای آنها نیز خوداری می‌کرد. با آنکه شاه دستوری در این خصوص صادر کرده بود، در نهایت حاجب‌الدوله برای حل این مشکل به اداره محاکمات وزارت خارجه

متوسل شد و از سفیر روس خواست وی را به ادای دین وادار کند. (همان، سند ۱۷-۱۲-۲۷-۱۳۱۷ق.).

این‌گونه مسائل در اذهان ایرانیان و داوری آنان در مورد کسانی که به عنوان تاجرباشی سفارتخانه‌های خارجی فعالیت می‌کردند و در بسیاری موارد از موقعیت خود به ضرر دیگران و منافع کشور سوء استفاده می‌کردند، تاثیر گذار بود.

۵-۲. حل و فصل اختلافات مالی و تجاری

براساس چارچوب حقوقی که معاهدات بین المللی بر دولتمردان و ادارات تحت امرشان حاکم کرده بود، نمایندگان و وابستگان به سفارتخانه‌های خارجی رویه‌های خلاف معمول در پی‌گیری امور حقوقی و قضایی خود را در پیش می‌گرفتند و تاجرباشی‌ها نیز در چنین فرصتی سود خود را می‌جستند. شماری از آنان برای پیشبرد امور معاملاتی شخصی از روش اعمال فشار به طرف معامله خود به صورت طرح شکایت در ادارات حکومت استفاده می‌کردند که طرف مقابل امیدی به خیر آن ادارات نداشت. از جمله در سال ۱۳۳۰ق. سیمون گئورکیان تاجر باشی عثمانی از عبدالله‌خان اعتضاد حضرت مبلغی طلب داشت و نفوذ وی سبب شده بود که امیدی به وصول آن مبلغ نداشته باشد. از این رو از رئیس محاکمات وزارت خارجه درخواست کرد بدون اطلاع اعتضاد حضرت از محل نقدینگی وی نزد تجارتخانه جمشیدیان، معادل طلب او را توقیف نماید تا بعداً به طلبکارش پرداخت گردد. چون از تجارتخانه جمشیدیان درخواست شد تا این مبلغ را توقیف کند، پاسخ رسید که اطلاعات مالی اشخاص نزد شرکت، محرمانه است و دیگر آنکه تجارتخانه نمی‌تواند از پرداخت مالی که سپرده شده است، بدون دریافت قبض اقدام کند. (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۷۶۲۱) چالش‌های فرساینده بین این روش حقوقی و نهادهای رسمی فعال در کشور که گاه وجه‌المصالحه وابستگان به خارج از کشور می‌شد، این‌گونه بروز می‌کرد.

آگاهی‌های موجود حکایت از آن دارد که اختلافات تاجرباشی‌ها با برخی از رجال که بر سر دادوستد و معاملات خصوصی آنان به وجود آمده بود، با توسل به چنین سازوکاری پی‌گیری می‌شد. از جمله دعوای بکمز افندی تاجرباشی عثمانی با بسیاری از رجال قاجاری بر سر وصول مطالباتش که سال‌ها به سرانجام نمی‌رسید، به این ترتیب پی‌گیری می‌شد. مانند دعوای وی با مؤیدالملک بر سر وصول مطالباتش که با پشتیبانی

نمایندگی تجاری سفارتخانه‌های خارجی در دوره قاجاریه ۱۶۳

سفارت عثمانی سال‌ها پی‌گیری می‌شد. (همان، سند ۳۶۰۰۰۲۶۴۰) دعوای سلیمان‌خان تاجرباشی روس نمونه دیگری است از این گونه مشکلات که دستگاه دیپلماسی کشور با آن روبرو بود. (همان، سند ۳۶۰۰۰۵۱۰۳).

ناگفته پیداست توسل وابستگان به سفارتخانه‌ها به روال‌های حقوقی چون حق کاپیتولاسیون و تمکین ادارات و مقامات حکومتی در برابر چنین رویه‌ای، نارضایتی ایرانیان از ناکارآمدی و ضعف نهادهای حقوقی و دادرسی کشور را تشدید می‌کرد. تاجرباشی‌ها در تجارت خصوصی خود از امتیازات و معافیت‌های در نظر گرفته شده برای بازرگانان و اتباع خارجی برخوردار بودند و افزون بر آن در برخی مواقع درصدی برمی‌آمدند از این موقعیت سوء استفاده‌هایی نیز به عمل آورند. هنگامی که آقاسم، تاجرباشی سفارت روسیه خواست هفتاد و نه بار نفت را وارد تهران کند و از اخذ جواز از گمرک خانه سرباز زد، مال التجاره او را ضبط کردند. وی بررسی این مشکل را از طریق سفارت روس پی‌گیری کرد تا آنان با وزیر امور خارجه مکاتبه نمایند و به این ترتیب مشکل را حل کنند. (فهرست اسناد مکمل، ۱۳۸۵: ج ۱۴۹).

۶. تشکیک در روال‌ها

براساس برخی اسناد موجود در سال‌های پس از آغاز جنگ جهانی اول در باب شیوه معرفی، عملکرد و اختیارات تاجرباشی نزد برخی از ماموران وزارت خارجه تشکیک‌هایی صورت گرفت. علل این تشکیک مشخص نیست. بدون تردید فشار سفارتخانه‌های خارجی در پی‌گیری دعوای خصوصی تاجرباشی‌ها و مشکلات ناشی از تکیه آنان به حمایت سفارتخانه‌ها در این راستا یکی از این علل بوده است. گاه کسی چون نصرالله‌خان مشیرالدوله به فغان درمی‌آمد که طلب قاسم خان تاجرباشی روس داده شود تا پی‌گیری همه روزه او منقطع شود (آرشیو وزارت امور خارجه ایران، سند ۵-۱۲-۲۷-۱۳۱۷ق).

به عنوان مثال: در سال ۱۳۳۵ق. محاکمات امور خارجه در نامه‌ای به وزارت خارجه در خصوص موقعیت تاجرباشی‌هایی که تبعه ایران بوده‌اند و از سوی سفارتخانه‌های خارجی در ایران به این سمت معرفی می‌شوند، اما در اداره مزبور سابقه ندارند، سؤال می‌نماید که با آنان چگونه برخورد شود. در واقع نظر محکمه وزارت خارجه این بود که

طبق روال آن محکمه به امور شخصی که تبعه ایران است و به عنوان تاجرباشی دول خارجی معرفی شده است، رسیدگی نمی‌کرده است.

با این حال کسب تکلیف می‌کند که آیا باید به دعاوی اینان در محکمه امور خارجه رسیدگی شود یا نه؟ (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۰۳۸۰۷) گمان می‌رود که این نظر براساس موضع‌گیری علیه حق کاپیتولاسیون بود که مورد سوء استفاده آشکار برخی ایرانیان قرار می‌گرفت.

۷. تاجر باشی، نماد سلطه خارجی بر کشور

روابط اقتصادی و سیاسی ایران با اروپائیان در سده ۱۳ هجری در شرایط نابرابری قرار داشت و این امر آسیب‌های بسیاری بر ماهیت و شکل روابط جامعه ایران با کشورهای دیگر به وجود می‌آورد. فشار تدریجی و خردکننده‌ای که به شیوه‌های مختلف بر فعالان اقتصادی و سیاسی ایران وارد می‌شد و بی‌عدالتی‌های ناشی از این موارد، توان و خاطر آنان را می‌فسرد. موضوع سلطه خارجیان بر جامعه مسلمانان و مقدرات آن و برتری‌شان نسبت به مسلمانان در مقوله کاپیتولاسیون و برتری حقوقی و سیاسی خارجی‌ها تجلی داشت که در این میان، تاجرباشی‌ها از دو سو مورد توجه بودند: از یک سو، به عنوان نماد سلطه مناسبات تجاری خارجی بر بازار داخل و از سوی دیگر، سوءاستفاده عمال خارجی در ایران.

در جریان برخی اختلافات که در سال ۱۳۱۷ ق. بین مردم مشهد و عمال روس روی داد، تعرضاتی علیه حاجی مجید تاجرباشی روس صورت گرفت که از جمله درب منزل وی را آتش زدند. موضوع تا سطح کارگزاری، وزارت امور خارجه و صدراعظم بارها مکاتبه شد.

در اغلب موارد تاجرباشی‌ها به روش‌های مختلف بر تیره گی چهره خود نزد ناظران آن روزگار می‌افزودند. تمایل به دخالت دادن سفارتخانه‌ها و حقوق کنسولی بر موضوعات شخصی و خصوصی، عدم تمکین در برابر نهادهای رسمی کشور و زورگویی به رقبا و طرفین خود با توسل به نفوذ سفارتخانه‌ها از این جمله است.

گاه تاجرباشی‌ها به اعتبار بستگی به سفارت‌های خارجی تمایل می‌یافتند حق قضاوت کنسولی را در امور مختلف تسری دهند. وقتی حاجی عباسقلی در قضیه ماترک وصیت‌نامه مرحوم حاجی محمد حسن تاجرباشی دخالت کرد، آقا کاظم، وصی متوفی به

میرزا باقر خان نظم‌الملک، رئیس محاکمات وزارت خارجه توسل جست تا موضوع را خاتمه دهد. (آرشیو سازمان اسناد ملی، سند ۳۶۰۰۵۰۸۴) این قضیه بدون تردید در زمره وظایف رسمی محاکم شرع بود که به دلیل آنکه آقا کاظم امیدی به صدور رأی مطابق میل خود از آن محکمه نداشت، ترجیح داد امری شرعی در محکمه عرفی امور خارجه بررسی شود. در عین حال تاجرباشی‌ها هنگامی که قرار بود در موضوعی حساب دهند، در برابر نظر و رأی اداره محاکمات وزارت امور خارجه به سختی تمکین می‌کردند. (آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۳۰-۱۲-۲۷-۱۳۱۷ق.)

رفتارها و مواضع برخی تاجرباشی‌ها و زیاده روی‌های آنان در امور، آشکارا نشان‌گر سلطه جویی آنان در مسائل داخلی ایران بود. سلطانونف تاجرباشی روس در اردبیل به خود اجازه می‌داد از هر کس طلب داشت آدم بفرستد و طلبش را وصول کند. عاقبت حاکم آذربایجان مجبور شد به صورت ویژه جلوی زیاده‌روی‌های او را سد کند (اسناد میرزا عبدالوهاب آصف‌الدوله، ۱۳۸۰: ۱۴۴). در اسناد مربوط به دوره حکمرانی میرزا عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله در آذربایجان بسیاری جزئیات در مورد این وضعیت در آن نواحی به چشم می‌خورد. در گیلان نیز چنین وضعیتی در قضیه خواجه اسحق، تاجرباشی روس در رشت گزارش شده است.

نتیجه‌گیری

عنوان تاجرباشی که به بازرگانان برگزیده حکومت و به منظور تنظیم روابط بازرگانی داخلی و خارجی اعطاء می‌شد، در آغاز سده ۱۳ هجری/۱۹ میلادی و شتاب دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی که بازتعریف روابط بازرگانی و بازرگانان را در نظام جهانی الزامی کرد، دچار دگرگونی مفهومی و کارکردی متفاوت با سابق شد. لقب تاجرباشی به تجاری گفته می‌شد که سمت نمایندگی اقتصادی و حقوقی دولت‌ها و سفارتخانه‌های خارجی در کشور را بر عهده داشتند.

در ارتباط با این مسئله که تمایل شماری از تجار مشهور ایرانی برای پذیرش سمت تاجرباشی کشورهای خارجی با هدف برخورداری از امتیازات و مزایای اقتصادی همکاری با کشور مربوط صورت می‌گرفت، یا این همکاری به منظور ایجاد و بهره‌گیری از حاشیه‌ای امن برای فعالیت‌های اقتصادی در فضای نایمن داخل ایران دوره قاجاری صورت می‌گرفت؛ سئوالاتی مطرح بود که در آن میان نیازهای حقوقی و اجرایی

سفارتخانه‌های خارجی برای انتصاب تجار ایرانی به سمت تاجرباشی خود در ایران، بیشتر قانع کننده بود. از سوی دیگر شماری از تجار بلندپایه، سمت نمایندگی کشورهای خارجی را بنا به منافع امنیتی و اقتصادی خود پذیرا می‌شدند. اگر چه در هرحال چون این الگوی تعامل در قالب قاعده کاپیتولاسیون تعریف شده بود از منظر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیامدهای مخرب بسیاری در بر داشت.

منابع و مأخذ:

- اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله (اسناد آذربایجان) (۱۳۸۰) ج ۳، به کوشش عبدالحسین نوایی و نیلوفر کسری، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷) *المآثر الأثار*، ج ۲، دوم، به اهتمام: ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- انتنر، مروین. ل (۱۳۶۹)، *روابط بازرگانی روس و ایران ۱۹۱۴-۱۸۲۸م*، ترجمه: احمد توکلی، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- اوین، ژان (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بیانی، خان‌بابا (۱۳۵۷)، *پنج‌سال تاریخ ایران در دوره ناصری*، تهران: نشر علم.
- برک نیسی، نادیا (۱۳۸۰)، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۶، تهران: بنیاد دانشنامه جهان اسلام.
- پولاک، یاکوب (۱۳۸۴)، *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴)، *تجار مشروطیت و دولت مدرن در ایران*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- خلج، یوسف (۱۳۷۵)، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، تهران: بنیاد دانشنامه جهان اسلام.
- رحیم‌لو، یوسف، «کاپیتولاسیون در تاریخ ایران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، تابستان ۱۳۵۱، ش ۲۴، شماره مسلسل.
- رفیعی، منصوره (۱۳۸۴)، *انجمن، ارگان انجمن ایالتی آذربایجان*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱)، *اختلاف تجارتي ایران و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- _____ (۱۳۸۴)، «تاریخچه وزارت امور خارجه ایران»؛ فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۵-۲۴.

نمابندگی تجاری سفارتخانه‌های خارجی در دوره قاجاریه ۱۶۷

_____ (۱۳۶۷). اشرف افغان در تخت گاه اصفهان به روایت شاهدان

هلندی، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.

فهرست اسناد مکمل دوره قاجاریه (۱۳۷۹)، وزارت امور خارجه، مجلدات ۱۵۳-۱۴۷، به کوشش: علی موجانی و عباسعلی عبداللهی، تهران: وزارت امور خارجه.

قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۸۰)، اسناد روابط ایران و روسیه از دوران ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه ۱۲۶۷-۱۳۴۴ق. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

_____ (۱۳۸۰)، اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و

محمدشاه قاجار ۱۲۶۳-۱۲۴۰ق. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

کرزن، لرد ناتیل، (۱۳۶۲)، ایران و قضیه ایران، ج۲، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷)، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی، اسناد و حقایق درباره تاریخ نفوذ اروپاییان در ایران (۱۹۱۹-۱۸۶۰م)، ترجمه: مریم میراحمدی، تهران: معین.

مارچینکوفسکی، محمد اسماعیل، (۱۳۸۵)، دستورالملوک میرزا رفیعا، ترجمه: علی کردآبادی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

ملک‌آرا، عباس میرزا (۱۳۵۵)، شرح حال عباس میرزا ملک آرا برادر ناصرالدین شاه، به کوشش: عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.

نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری‌فرد (۱۳۸۱)، تاریخ ایران در دوره صفویه، تهران: سمت. نیکیتین، ب (۱۳۵۶)، ایرانی که من شناختم، خاطرات و سفرنامه مسیو ب. نیکیتین، ترجمه: علی محمد فره وشی، تهران: معرفت.

وحید مازندرانی، غلامعلی (۱۳۵۰)، عهد نامه‌های تاریخی ایران، تهران: وزارت امور خارجه.

هاشمی، سیدرضا (۱۳۸۰)، دانشنامه جهان اسلام، ج۶، تهران: بنیاد دانشنامه جهان اسلام. نیستانی، جواد و برتولد اشپولر، مهدی فرهانی منفرد، ویلم فلور، وحید انوشیروانی (۱۳۸۰) تجارت در ایران: پیش از اسلام؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، تهران: بنیاد دانشنامه جهان اسلام.

هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۴۴)، خاطرات و خطرات، نوشته‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، چاپ دوم، تهران: زوار.